

بخار که در کاسه نشاء شده بعد بر کفار گاه جا بر حد بجم دوری از خود
 گفت هر سو که بود که کفار را که در این زمان معمول به الجبار کرده ارضی میباشند بعد از آن
 تا آنکه حضرت امیر المؤمنین و عیوب الدین بی بیع ابولباب علیه السلام و السلام در یک
 صد و ده فقره را در کلمه گفت این کتب بر سر است چه رسول اکرم زینب انامینه
 و علم و بی باها درستی این سخن فقره نینفرد است که منم تا علم و علم در است چون میباش
 که هر علم رسول اکرم صلوات الله و کلام علیه است و بی با بنان که در هر چه هر رسوله
 واضح که در باب بی بی است علم طب که تحقیق و ابر به بعد یک صد و ده سخن
 خواه بعد چه علم با آن حضرت یک صد و ده است که از حضرت بطور سخن گفت
 این اثر از امیر المؤمنین که در هر چه در طب از غزوه در یک صد و ده
 در زده هزار بیانی چگونه میتوان آنها را در یک صد و ده فقره سنجید و سخت گفت
 فری در این باب بی با بنان از بزرگوار تو مع میوم و شروع در آن سخن امید دارم که
 زیاده از یک صد و ده باشد و از آن روز شروع در تحقیق این کتاب است که
 تا کمال در سال تمام علیه و تمام ابر به غزوه در یک صد و ده در
 سنجید و این غایت بگیرد از این بجز آن بزرگوار صلوات الله و سلام علیه ابد الامین

و بعد التامین

از هر کتاب گفت در این ایام در کتب همه اوزة فقره یک کتاب جدیدی در آن گفته
 ترتیب سینه جدید الاطراف از در ترتیب دین و الجبار ملک مانه از نامت آن در اطلاع
 و نه خراصی و معتاد ارتب و معارف از امید انسته و آنچه در بعضی کتب از غیر تحفه علم خوان
 به سخن الدوب و بعضی دیگر ترابا دینها در نامت و معارف ابر به غزوه نفاسته که ناقص و مطابق
 واقع نیست و مع گیار را نینفرد موافق صفات که از آن نفاسته مطابق با فاج منف

بسی که ایلام برابر بود و اول با بدید که معرفت و دانش تک و متحد علم غفرتا توان
 و اما متقابلا که در این مسئله ایشان امر اول ملک اروپا بود و معلوم و معارف هم رو بر
 گذاشته و منتشر گفید و کاران بجای ساسه که انگلیز شاه به سر گفید و معاینه مر بینه
 و ما مردم شرق زمین و املا ایران پیش آستان بر تر و دانای صدر رتبه است تر از
 حالت هر از سال قبل از این مردم فرنگ گرفتار در بر جهر و نادان گشته و در آن
 مخطوط و رسم و رسم و در سبب آنکه ضعیف و خونی گوییم و جهر و نادان را این علم و دانای
 تصور میکنیم

علم الهی

اصول مختلف

و دیگر دانسته که نظر و فکر طو لوران و انور که من از و کتر مولدک و رایم مدار
 مسلم معلوم متعلق بطلب کعبه و این از چندین دانسته برایتانجا حضور و طلب است
 مخصوص آن آنکه سفر است مقور آمد و بعد از سه سالتانی شاه شهبه سعید باخته
 در این دار فانی زیست کرد و در شهر صفر ۱۱۳۱ و در گذشته وفات نمود و بعد از
 سه سال روز تشریف در این بارگ بنامه و علم فرمود که تا کرده و در از عهد
 حقیر خوبه را که و گویا بقدرت از جمله فانی ربه که بقیه حقیر معارف روانه
 فرنگ نه در خست این سفر او در پوئنه و هله و یک نفر از آنان که این مسافر
 متوجه بینه پنج نفر آنها مخصوص حقیر طب معنی یا میرزا علی قلی میرزا سعید سعید
 به اسلام و جناب صاحب حکم الممالک و ولایت در اللان که انگلیز در فقه او
 بهت قدم نو لگرو بهت جمله تشریف داند و دیگر میرزا رضا میرزا سعید
 ستون می آید که معلم این بنده مصنف است و یسوی میرزا علی میرزا احمد
 طبیب افرو و چهار میرزا عبد الوهاب کاشانی و غیر میرزا بزرگ قدوسی

عاجل

61a and b
on verso of
first letters

۹۶ مخفف نام او که خلیفه یارون الرشید و پسرش محمد بن مأمون را در طلب علم
 نفسیه و حکیمیه و غیره تمام بود و مأمون بیشتر از پدرش در این امر متوسل
 علماء و اصحاب معارف را میکرد و از اطراف و کفاف عالم حکم به جمع آوردن
 ایشان میکرد و باین راهها اگر آسوده است و در اندیشه را از اجتماع ایشان
 زینتر بنا نهادند و کمال جد و جهد را در ترجمه کتب فلسفه و ریاضیات
 عربی داشت و ترجمه میکردند بر اینها احتیاج بود ^{مخفف} و در ترجمه جایی نیز
 احسن جواد و یعقوب بن اسحاق گذر و نهایت بنز و حراست و علم بنی و خان طبر
 و مولفان فیثا محرز و افلاطون و ارسطو طالیس و بقراط و جالینوس را
 از زبان یونانی بزبان عربی ترجمه نموده و اینها همه در علم امور ملقب بنام در
 اندلس نیز در ترجمه این علم نهایت را اندیشه و از رومانس قهر نقول نام
 را هم را ^{کلیه} به این مقصود طلبیه باطله و در این قرن فلاسفه بزرگ در ۱۳
 ظاهر شده اند که از جمله ایشان یحیی بن یعقوب یعقوب بن اسحاق گذرند یا از
 چهار نفر ترجمه است یعقوب و حنین گدیزه که اینها همه فیلسوف بزرگ از مشهور است
 معتصم عباسی بنو عبد الله بن محمد بن طرخان بن اوزنغ فارابی بود و اهل آن
 ترک و اینها مولدش از فارابی و از اکابر فلاسفه مسلمان بشمار آید و این
 کافیلوف که سلسله سطور را در علم منطق تلخیص کرده مسلمانیه نموده و تعلقات
 جنبه بر آن حکمت و اخراج قائلین را که یکدیگر ساز است با و نسبت میدهد
 و در شهر دمشق در سال ۳۳۴ هجری وفات یافت و از جمله اطا بزرگ است
 یوحنا بن ماسویه بود که در مخفف خلیفه یارون الرشید مشرفتر تمام داشت

و در حال سیاحت خلوق صلی روایت سرگشته که او را در زیر درخت یسین
نوابیه بعد دید یک دانه بید از درخت ساقط شده زمین افتاد و از سقوط
ان قوه جاذبه تمام که موجب انقراض تمام عالم است ریافت کرد

The Ghani Collection at Yale

از آمدن این سعید نیز با این استخوان کلمات عرب در زبان پارسی را از آن درخت و درختها بنگار و عربی را که صفرا
پایان آورد و چنانچه در زبان غیر ایرانیان صفرا و بنیاد او را ایجا بر این است که گفته می شود و کلمات بر زبان فارسی ادرع غلط
بنا بر وجه صفرا و دیگر در ایران سداول است که این کلمه بر گفته

شهر سرتیور ایران و کده نفوس آنها چنانکه سابقه گفتیم جمعیت این مملکت را مطابق تحقیق حدود ۲۱۰۰۰۰۰۰ نفر
تخمین کرده و شهر سرتیور که کده نفوس سالین آنها چنانکه است از قرار زیر می باشد

در سال اول

طهران ۱۰۰۰۰ نفر

در زبان مملکت قاقاز سفور فقیر شاه السیاد صدر السور بر ابادان این شهر افزون و مسجد جامع معروف مسجد شاه از زبان پارسی
در جاه است و تخمین در زبان شاه ماضی شهر شاه سرجم بفر کلمات عالی در این شهر بنا شده و سایر کده اودان آن در زبان مملکت